

تحلیل شاخص‌های توزیع خدمات شهری با رویکرد عدالت فضائی کلانشهر شیراز

بهنوش نصرتی*، علی شکور**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۳/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۶/۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر، سنجش شاخص‌های توزیع خدمات شهری به عبارتی حکمرانی خوب شهری با در نظر گرفتن شرایط موقعیتی و عدالت فضایی شهر شیراز می‌باشد. این تحقیق به لحاظ هدف، کاربردی، از نوع همبستگی بوده و روش گردآوری اطلاعات تحقیق، کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. جامعه آماری تحقیق، متخصصین حوزه شهرسازی و معماری می‌باشد که با استفاده از روش دلفی ۳۰ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین گردیده است. جهت جمع آوری داده‌های تحقیق از پرسشنامه استفاده شده و به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق، از آمار توصیفی و آمار استنباطی و روش ضربی عمران پذیری نواحی و تحلیل عاملی استفاده گردید. یافته‌ها و نتایج تحقیق حاکی از آن است که بر اساس آزمون تحلیل عاملی به ترتیب معیارهای مشارکت، قانونمندی، جهت‌گیری توافقی، پاسخگویی و پاسخدهی، اثربخشی و کارآیی و شفافیت متغیرهای حکمرانی خوب شهری مؤثر بر عدالت فضایی مناطق کلانشهر شیراز می‌باشد و همچنین منطقه ۱۰ با ضربی ۰/۹ از بیشترین عمران پذیری برخوردار است که بیانگر مطلوبیت بیشتر این منطقه برای عمران پذیری می‌باشد. مناطق ۱ و ۶ که با ضربی ۰/۵ و ۰/۱۵ در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند نیز از عمران پذیری مطلوب تری برخوردارند. سایر مناطق مورد پژوهش (۷ منطقه دیگر) از ضربی عمران پذیری پایینی برخوردارند و حکمرانی خوب شهری و عدالت فضایی-اجتماعی در این مناطق با شکست رویه رو شده است.

واژگان کلیدی

شاخص‌های توزیع خدمات شهری. حکمرانی خوب شهری. عدالت فضائی. شیراز.

* behnooshnosrati@yahoo.com

alishakoor52@yahoo.com

** گروه علوم انسانی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

** استاد گروه جغرافیای انسانی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

طبق گزارش صندوق جمعیت سازمان ملل متحد بیش از نیمی از جهان یعنی سه میلیارد و سیصد میلیون نفر در مناطق شهری زندگی می‌کنند. این رقم تا سال ۲۰۳۰ به پنج میلیارد نفر افزایش می‌باید که حدود چهار میلیارد نفر آن به کشورهای در حال توسعه اختصاص دارد (جعفری فرد و همکاران، ۱۳۹۹). بر این اساس از عوامل اصلی بحران‌های افزایش جمعیت جوامع بشری ریشه در نابرابری‌های اجتماعی و فقدان عدالت دارد (زیاری و همکاران، ۱۳۹۳). عدالت فضایی یک نقطه تقل در زمینه برنامه‌ریزی تأسیسات شهری و یک شاخه از عدالت اجتماعی است (تابعی و همکاران، ۱۳۹۵) و شامل مباحث توزیع نابرابر درآمد و ثروت، جداسازی فضایی مسکن، تخصیص نابرابر کالاهای خدمات عمومی و حقوق مدنی نابرابر در میان طبقات، نژاد، قومیت و جنسیت در چهار چوب جوامع، شهرها و نواحی شهری است (Fujita, 2009). لذا سیاست‌های تخصیص و توزیع منابع در شهرها از طریق برنامه‌ریزان شهری (داداش پور و همکاران، ۱۳۹۴)، در قالب حکمرانی مطلوب شهری که کیفیت روابط میان حکومت و شهروندان است، (Sheng, 2010) صورت می‌گیرد. حکمرانی مطلوب شهری همچنین به عنوان یک مفهوم بنیادی با هدف بهبود مهارت‌های اداری و بهره‌وری، شفافیت، مبارزه با فساد و افزایش پاسخگویی مقامات شهری مطرح شده است (Kadago et al, 2010). دولت براساس حکمرانی خوب می‌تواند موجب افزایش اعتماد عمومی شود و همچنین بهره‌وری اقتصادی به وجود آورد (Yousaf et al, 2016). در مجموع در شبکه‌های حکمرانی اهداف سازمان‌های فردی و نفع جمعی در نظر گرفته می‌شود (Edeenbos & Meerkerk, 2017) لذا در این پژوهش با هدف تحلیل شاخص‌های حکمرانی خوب شهری با رویکرد عدالت فضایی و اجتماعی شهر شیراز با توجه به افزایش جمعیت این کلانشهر در چند دهه اخیر و بررسی وضعیت مدیریت شهری نیاز مبرم به بررسی خدمات شهری مطرح گردیده، چرا که در صورت عدم پراکنش صحیح در برخورداری از امکانات و خدمات شهری ناراضایتی شهروندان و عدم تحقق عدالت فضایی را در پی دارد. در همین راستا، به بررسی این دو فرضیه که به نظر می‌رسد از بین شاخص‌های سیستم قوانین و مقررات حاکم بر مدیریت شهری و شهرداری شاخص‌هایی چون قانون مندی، پاسخگویی و پاسخ‌دهی و اثربخشی و کارایی سهم بیشتری در شکل‌گیری الگوی حکمرانی خوب شهری در کلانشهر شیراز تأثیرگذار می‌باشد و به نظر می‌رسد شاخص‌های فرصت برابر، سهم برابر و عدالت جبرانی سهم بیشتری در شکل‌گیری عدالت فضایی و اجتماعی در کلانشهر شیراز دارند، می‌بردازیم.

مبانی نظری تحقیق

حکمرانی و حکمرانی خوب شهری: پس از جنگ جهانی دوم و با بروز مشکلات جدید برای کشورها، مفهوم توسعه با ابعاد گستردۀ ای مطرح شد و وجود یک سیستم مدیریت پویا به عنوان نیاز اساسی برای زندگی و بقای جوامع شهری شناخته شد؛ زیرا مدیریت صحیح شهرها می‌تواند فرستاده‌ای اقتصادی و توسعه اجتماعی مهمی ایجاد کند (Esmailpour et al, 2021., Biswas et al, 2019). در این میان، با ظهور الگوهای نوین مدیریت شهری و نگرانی‌های اجتماعی درباره روش‌های بهینه حکمرانی، رویکرد سنتی مدیریت شهری با انتقادات گستردۀ ای رو به رو شد و مدل حکمرانی شهری به عنوان جایگزینی برای آن پیشنهاد شد. این پارادایم جدید که از سه عنصر اصلی دولت، جامعه و بخش خصوصی تشکیل می‌شود، تفاوت چشمگیری با روش‌های پیشین دارد و قدرت و تأثیرگذاری هر یک از این عناصر را بازتعریف می‌کند. ظهور تأثیرات جهانی شدن بر سیاست‌های شهری از عوامل اهمیت یافتن تئوری حکمرانی در شهرها شده است (Pierre, 2014). لذا قدمت حکمرانی به تاریخ تمدن بشری بر می‌گردد (حکمت نیا و همکاران، ۱۳۹۶). حکمرانی کنش، شیوه یا سیستم اداره است که در آن مرزهای بین سازمان‌ها و بخش‌های عمومی و خصوصی در هم می‌روند (Rakodi, 2001). به عبارتی حکمرانی یک ویژگی اصلی در مدیریت شهری تبدیل شده که توسط دولتها و سازمان‌های دولتی به الگویی برای مشارکت جامعه مدنی و مردمی تبدیل شده است (Lemanski, 2017). لذا برای گزین از مشکلات اداری مناطق شهری به درک معنای عبارت حکمرانی خوب و توسعه‌ی مکانیسم‌های مرتبط با آن برای ارزیابی کارایی و ارائه‌ی مبنایی برای بهبود نیاز است (Lock Wood, 2009). به بیانی حکمرانی شایسته به وسیله حکومت محلی به عنوان تلاش هماهنگ در نظر گرفته می‌شود و جامعه مدنی و بخش خصوصی را به مثابه اهداف اصلی خود تلقی می‌کنند. این تلاش باید افراط، گروه‌ها، شرکت‌های منفرد و تعداد زیادی از نهادهای دولتی و محلی را در برگیرد (هال و فایفر، ۱۳۹۴) که این امر می‌تواند به عنوان دستیابی به اهداف مشترک، همکاری بین شبکه‌های حکومتی، منافع متقابل بیان می‌شود (Edeenbos & Meerkerk, 2017). به عبارت دیگر، حکمرانی خوب شهری به سنتها و نهادهای اطلاق می‌شود که از طریق آن، اقتدار در کشورها جاری می‌شود و در جامعه نیز، زمینه و محیط مناسبی برای زندگی راحت و کارآمد شهروندان، به تناسب ویژگی اجتماعی و اقتصادی آنان فراهم می‌شود (World Bank, 2012).

جدول ۱- نظریه‌پردازان حکمرانی خوب شهری

مک‌کارنی و همکاران تعریف کرده‌اند(شريفزاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۸).	این محققین حکمرانی را رابطه بین جامعه مدنی و دولت، بین حکمرانان و حکمرانی شوندگان، حکومت و حکومت شوندگان
شهیدول و ساپان (Shahidul & Swapana, 2016)	این محققین حکمرانی خوب را عنوان نقش تأثیرگذار در شکل دادن فضای مناسب برای مشارکت شهروندان ایفا می‌کنند
بوئینگر جان پیر ^۱	از نظر بوئینگر (۱۹۹۱) سه بعد برای حکمرانی قابل تصور است؛ فنی، سیاسی و نهادی(بیگلو و همکاران، ۱۳۹۷).
جان پیر در چه زمینه‌ای می‌توانند کنش جمعی را پایدارتر کنند(Pierre, 2014). این تئوری به علل و پیامدهای فرم‌های مختلف کنش متناظر بین کنشگران اجتماعی و دولتهای محلی مپردازد (عیوضلو و رضویان، ۱۳۹۷).	جان پیر
کافمن و همکاران جامعه باشد و صدای فقیرترین و آسیب‌پذیرترین طبقات در فرایند تصمیم‌گیری درباره تخصیص منابع توسعه شنیده شود (Shipra, 2006)	کافمن و همکاران برای حکمرانی خوب شهری شش شاخص زیر را ارائه کرده‌اند(مختاریان و همکاران، ۱۳۹۶).
گاس اشترن همکاران حکمرانی از نظر گاس، مفهومی برای تشریح شکل جدیدی از تصمیم‌گیری جمعی در سطح محلی است که به توسعه روابط مختلف، نه تنها میان عوامل و بنگاه‌های عمومی بلکه میان شهروندان و بنگاه‌های عمومی می‌انجامد(Goss, 2001).	حکمرانی خوب به شکلی ساده در برگیرنده مشارکت، شفافیت، پاسخگویی، اثر بخشی، تساوی خواهی و حاکمیت قانون است و همواره تضمین کننده این مهم است که اولویت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی باید مبتنی بر اجماع و سیعی در جامعه باشد و صدای فقیرترین و آسیب‌پذیرترین طبقات در فرایند تصمیم‌گیری درباره تخصیص منابع توسعه شنیده شود.
اشترن همکاران حکمرانی خوب شهروندی در ایران با توجه به قوانین، برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و طرح‌ها و برنامه‌های شهری مورد سنجش قرار می‌گیرد(توكلی نیا و همکاران، ۱۳۹۱). در این راستا می‌توان معیارهای مطلوب حکمرانی شهری در شهرهای ایران را به شرح زیر معرفی کرد:	اشترن معیارهای سنجش حکمرانی خوب را به این شرح بر می‌شمارد: پاسخ‌گویی و محاسبه‌پذیری شفافیت، قانونمندی انتخاب رهبران سیاسی و وجود ساختارهای قانونی برای پشتیبانی شهروندان در مقابل اقدامات استبدادی(احاجی نژاد و همکاران، ۱۳۹۵).
<ul style="list-style-type: none"> • مشارکت شهروندان^۲: مشارکت فقط به حمایت مردم از تصمیم‌گیران و تأیید سیاست‌های آتان محدود نمی‌شود (توكلی نیا و همکاران، ۱۳۹۱) بلکه فرآیندی است که در آن حضور همه مردم در تصمیم‌گیری‌های مختلف است که هم به صورت مستقیم و هم از طریق نمایندگان و نهادهای واسطه‌ای قانونی و مشروع تحقق می‌یابد (حسنی هنزاوی و الهیاری، ۱۳۹۷). بنابراین در برنامه‌ریزی راهبردی هر هدف یا راهبرد که بتواند زمینه‌ی مشارکت را فراهم نماید منعکس‌کننده‌ی این مؤلفه‌ی حاکمیت شهری در برنامه است(مهرارتی و همکاران، ۱۳۹۱). • اثربخشی و کارآیی^۳: این شاخص شامل پاسخ‌گویی به ظرفیت کنترل و نظارت در فرایند مشارکت در تصمیم‌گیری شهری می‌باشد، از این رو در روابط بین نهادهای عمومی و شهروندان قرار می‌گیرد(Peris & et al, 2011) در نتیجه سبب شکل‌گیری و تضمین اعطای خدمات به عموم مردم با مصرف بهینه و عاقلانه منابع در دسترس می‌گردد(عیوضلو و رضویان، ۱۳۹۷). • پذیرا بودن و پاسخ ده بودن^۴: این معیار دو نکته مکمل هم را در بردارد (توكلی نیا و همکاران، ۱۳۹۱). در واقع هر اندازه که نقطه نظرات موجود در یک جامعه از تفاوت‌های زیادی برخوردار باشند، بازیگران گوناگونی نیز وجود خواهد داشت؛ لذا حکمرانی خوب نیازمند این است که منافع و سلایق مختلف در جامعه به سمت اجتماعی گسترش ده که بهترین و بیشترین منفعت را برای تمام اجتماع در پی دارد، هدایت کند. این امر مستلزم این است که چشم‌انداز بلندمدت و وسیعی نسبت به آنچه برای توسعه پذیرا بودن و پاسخ ده بودن ضروری است(حسنی هنزاوی و الهیاری، ۱۳۹۷). • مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی^۵: پاسخگویی یک امر حیاتی برای حکمرانی خوب است که همه نهادهای دولتی، بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی باید نسبت به عموم مردم و نهادهای ذینفع پاسخگو باشند(زیاری و همکاران، ۱۳۹۹). • شفافیت^۶: شفافیت نقطه مقابل پنهانکاری در تصمیم‌گیری است. پنهانکاری، امکان بروز فساد در دسترس باشد و از طرف دیگر اتخاذ تصمیمات و اجرای آن‌ها از قوانین و مقررات مشخصی پیروی کند (مهرارتی و همکاران، ۱۳۹۱). 	حکمرانی خوب شهری در ایران با توجه به قوانین، برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و طرح‌ها و برنامه‌های شهری مورد سنجش قرار می‌گیرد(توكلی نیا و همکاران، ۱۳۹۱). در این راستا می‌توان معیارهای مطلوب حکمرانی شهری در شهرهای ایران را به شرح زیر معرفی کرد:

- قانونمندی^۷: منظور از قانونمندی، وجود قوانین کارآمد، منظور از قانونمندی در تصمیم‌گیری شهری، وجود قوانین کارآمد، رعایت عادلانه چارچوب قانونی است (زیاری و همکاران، ۱۳۹۹). رعایت عادلانه چارچوب‌های قانونی در تصمیم‌گیری و دور بودن دست افراد غیر مسئول از تصمیم‌گیری هاست (شاهینی فر و محمدزاده، ۱۳۹۶).
- جهت‌گیری توافقی^۸: شهر عرصه گروه‌ها و منافع مختلف و گاه در حال سیزی با یکدیگر است. منظور از جهت‌گیری توافقی تعديل و ایجاد توافق میان منافع مختلف است (عبدی و همکاران، ۱۳۹۸). این کار مستلزم وجود ارتباط و تلاش مشترک میان سازمان‌های دولتی، شهروندان و سازمان‌های غیر دولتی است (حکمت نیا و همکاران، ۱۳۹۶).
- عدالت و فraigیر بودن^۹: این شاخص تأکید بر فراهم آوردن فرصت‌های برابر برای شهروندان به منظور پهلوی رفاه، بدون تبعیض میان آن‌ها می‌باشد (عیوضلو و رضویان، ۱۳۹۷). همچنین ایجاد فرصت‌های مناسب برای تمامی مردم در زمینه‌ی ارتقای وضعیت رفاهی‌شان، تلاش در جهت تخصیص عادلانه‌ی منابع و مشارکت تمامی مردم حتی اقشار فقیر در اعلام نظر و تصمیم‌گیری نوعی عدالت محسوب می‌شود (حاجی نژاد و همکاران، ۱۳۹۵).
- بینش راهبردی^{۱۰}: فراتر رفتن از مسائل روزمره شهر و پرهیز از غرق شدن در آن‌ها مستلزم وجود بیشی کرده و دراز مدت نسبت به آینده با داشتن بینش راهبردی در زمینه توسعه شهری است (حکمت نیا و همکاران، ۱۳۹۶).

عدالت فضایی: یکی از مهم‌ترین و چالش برانگیزترین مفاهیم عدالت در مطالعات شهری، عدالت فضایی است که تعاریف متفاوتی از آن ارائه شده است (Omar, 2005). مفاهیم عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی همگی در راستای تحقق عدالت فضایی است. عدالت فضایی نقطه تلاقی زمین، جمعیت و فعالیت است (حافظنا و همکاران، ۱۳۹۳). به عبارتی عدالت فضایی و محیطی به معنی توزیع عادلانه امکانات برای رسیدن به جامعه‌ای متوازن و یکی از رهیافت‌های عدالت اجتماعی است (بابائی اقدم و نعیمی، ۱۳۹۶). به منظور سنجش عدالت فضایی در مقیاس عملکردی مناطق شهری نیاز به وجود شاخص‌هایی است که ضمن این که بعد فضایی و مکانی داشته باشند بتوانند سطح برخورداری و یا میزان عدالت فضایی را در هر منطقه از شهر نشان دهند (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۹). بنابراین برنامه‌ریزان باید در پی این می‌باشند که در الگوی مکانیابی خدمات و نحوه توزیع آن‌ها، چه مقدار نابرابری به وجود آمده و چه گروه‌هایی از جامعه در محروم‌تر شده‌اند (Hewko, 2003). بر این اساس می‌توان تقسیم‌بندی عدالت فضایی از دیدگاه‌های مختلف به قرار ذیل معرفی نمود.

جدول ۲- تقسیم‌بندی عدالت فضایی از دیدگاه‌های مختلف

تعريف	أنواع عدالت فضائية
هر شخصی سهم برابری دریافت می‌کند.	سهم برابر
افراد توانایی برابر به فرصت‌های برابر دارند.	فرصت برابر
سهم‌های توزیع شده برای متعادل‌کردن نابرابری‌های موجود است.	عدالت جبرانی
خدمات متناسب با نیازها توزیع می‌شود.	عدالت نیازمحور
دریافت منفعت در ارتباط با سطح پرداختی است.	عدالت بازار
منافع در تناسب با سطح تقاضای شهروندان توزیع می‌شود.	عدالت تقاضامحور

مأخذ: (بابائی اقدم و نعیمی، ۱۳۹۶)، (احمدی و شمسی‌پور و همکاران، ۱۳۹۹)، (۱۷۸، ۱۳۹۶)

پیشینه

احمدی و شمسی‌پور (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان تحلیل توزیع خدمات عمومی با رویکرد عدالت فضایی مطالعه موردي: شهر بجنورد دریافتند شهر بجنورد با کمبود شدید مراکز خدمات عمومی روبه روست. همچنین این کمبود به صورت ناعادلانه در محله‌های شهری مشاهده شده و شاهد بروز نابرابری و بی‌عدالتی میان محله‌ها گردیده است.

جعفری فرد و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان واکاوی شاخص‌های حکمرانی خوب شهری (مطالعه موردی: شهر کهنوج) دریافتند که از مجموع هفت شاخص اصلی حکمرانی شهری مورد بررسی در این پژوهش در ۷۰ درصد آنها، میانگین امتیازهای شهرهای بجنورد پایین‌تر از کارشناسان می‌باشد و تنها در دو شاخص مشارکت و کارایی وضعیت بر عکس است و بیشترین اختلاف نظر میان شهرهای بجنورد با مدیران و کارشناسان در شاخص‌های شفافیت، اجماع‌گرایی و مسئولیت و پاسخگویی و بیشترین وجه اشتراک میان آن‌ها در شاخص‌های قانونمداری و اثربخشی و کارایی می‌باشد.

رحمانی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان تحلیل نابرابری‌های فضایی توزیع خدمات شهری از منظر عدالت فضایی مطالعه موردی: شهرستان قرچک دریافتند که خدمات و امکانات موردنی بررسی در تحقیق در سطح شهرستان قرچک به صورت عادلانه توزیع نشده‌اند از طرفی نیز نتیجه آزمون سطح رضایتمندی شهروندان از وضعیت خدمات شهری موردنی بررسی نیز حاکی از نامناسب بودن وضعیت این خدمات در سطح شهرستان قرچک پوده است.

زیاری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان تحلیل عملکرد مدیریت شهری با تاکید بر شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر شهروندان (مورد مطالعه: شهر ساری) دریافتند که میانگین کل شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر شهروندان با مقدار ۰.۹۸ از ۳ در وضعیت نامطابق قرار دارد که این نتایج عدم رضایت شهروندان را بیان می‌کند که در این رابطه مسئولان شهری باید با به کارگیری نظرات افراد در عرصه مدیریتی و سیاست‌گذاری‌ها، زمینه را برای افزایش رضایت از زندگی در شهر را فراهم نمایند.

Wolfram (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان نگرش‌های مردمی در زمینه‌های شهری با بررسی نوآوری‌های حکمرانی برای توسعه پایدار در سئول دریافتند که مسایل مطروحه در تحقیقات و سیاست‌های آینده مورد توجه قرارمی‌گیرند: ۱- ظرفیت‌های توانمندسازی شهر؛ ۲- نوآوری جامع جاسازی شده؛ ۳- نوآوری حکومت گرای جامعه؛ ۴- توازن میان شهر

(۲۰۱۳) Bassett در پژوهشی تحت عنوان نقش عدالت فضایی در بازسازی شهری گرونینگن هلند دریافتند که اگر کیفیت فضایی یک شهر بالا باشد، عدالت فضایی هم بدست می‌آید و عدالت فضایی راهی برای کاهش اثرات ناعادلانه در جغرافیای فرهنگی است.

(۲۰۰۷) در پژوهشی تحت عنوان ارتباط نقش قانون، حکمرانی خوب و توسعه دریافتند نویسنده معتقد است مدیریت موثر انسان، طبیعت و منابع مالی جهت عدالت و توسعه پایدار توسط حکمرانی خوب انجام می‌شود. نتایج به دست آمده در این مقاله این است که حکمرانی خوب و نقش قانون یک امر تدریجی بوده و یک شبه انجام نمی‌شود؛ حکمرانی خوب، ترویج‌دهنده، پاسخگویی، شفافیت، کارایی و نقش قانون در نهادهای عمومی در همه سطوح است.

روش تحقیق

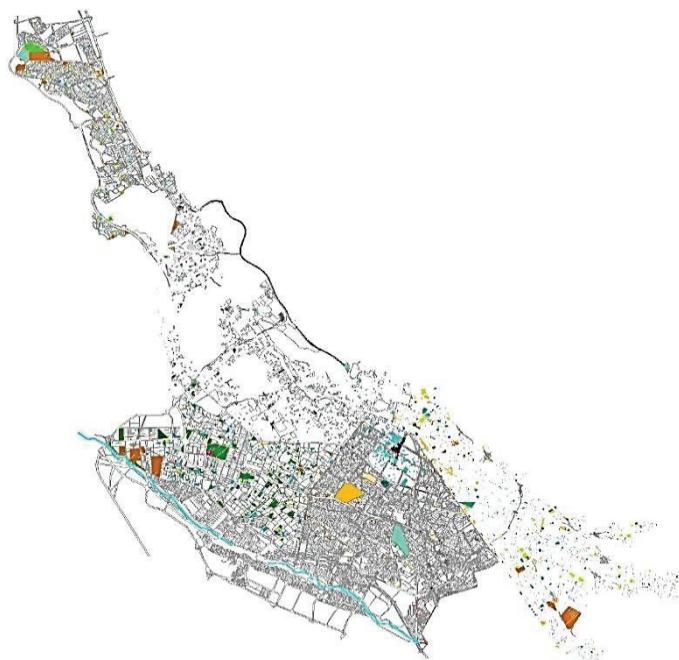
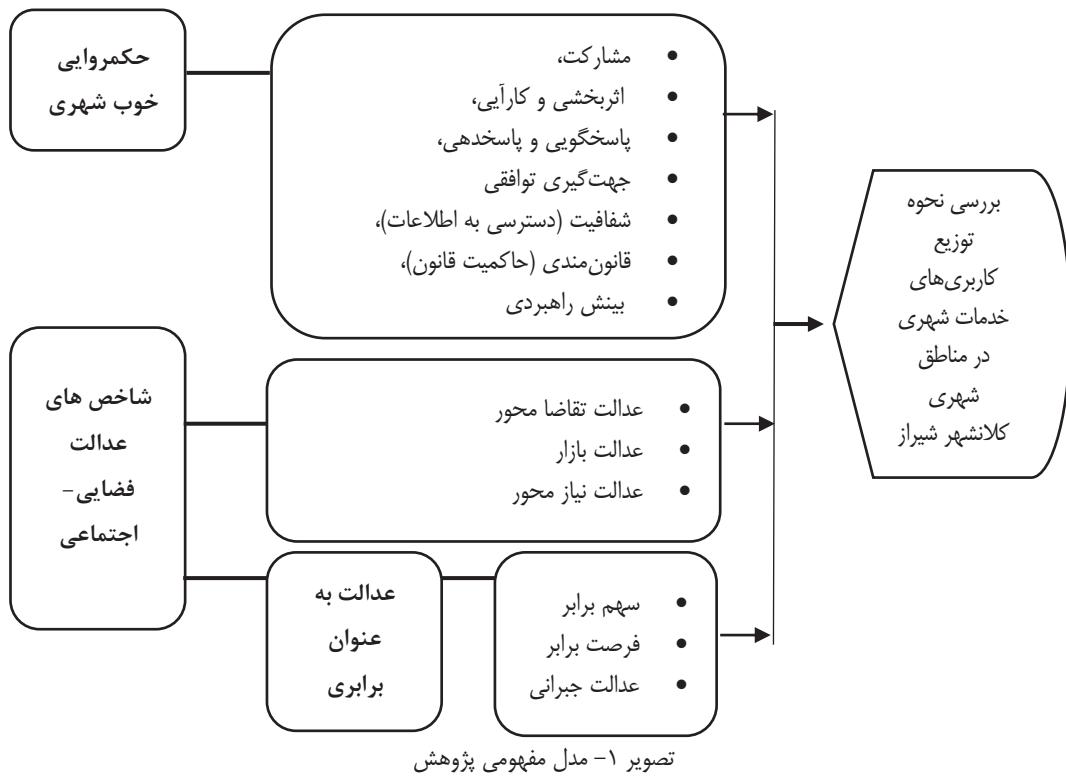
روش مورداستفاده پژوهش حاضر توصیفی- تحلیلی و از لحاظ راهبرد هدف‌گذاری، کاربردی است. برای جمعاًوری داده‌ها نیز از دو روش کتابخانه‌ای و اسنادی (طرح تفصیلی) استفاده شده است. محدوده جغرافیایی موردمطالعه کلانشهر شیراز و ۱۰ منطقه شهرداری آن می‌باشد و جهت ارزیابی مناطق شهری شیراز از لحاظ وضعیت حکمرانی خوب شهری با تأکید بر عدالت فضایی و اجتماعی از تمامی کاربری‌ها بجز کاربری مسکونی استفاده گردیده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرمافزار SPSS و آزمون‌های تعیین ضریب عمران پذیری نواحی و تحلیل عاملی استفاده شده است و جامعه آماری تحقیق حاضر بر مبنای روش دلفی ۳۰ نفر از متخصصین حوزه شهرسازی و معماری می‌باشند. ضریب عمران پذیری نواحی: در اجرای هر طرح و پروژه عمرانی در یک ناحیه باید با توجه به شاخص‌های محیطی و یا دیگر پدیده‌هایی که وجود داردن ظرفیت عمران پذیری را مشخص نمود و سپس با توجه به نتیجه‌های که حاصل می‌شود، بر طبق آن عمل کرد. بدین منظور برای برای تشخیص میزان قابلیت یک ناحیه یا منطقه در پذیرش فعالیت‌های عمرانی، لازم است پیش از هرگونه اقدام برای برنامه‌ریزی، ارزیابی دقق، صحت گبده، ص توان، ابطه ز، ۱ به کا، ب.

رابطه ۱ $DC = \frac{PF}{NF}$ در این فرمول (۱) DC = ضریب (ظرفیت) عمران‌پذیری PF = پدیده طبیعی و انسانی مثبت (مساعد؛ NF = پدیده طبیعی یا انسانی منفی (نامساعد).

برای به کارگیری رابطه فوق در مجموعه پدیده‌های طبیعی و انسانی، باید آن را به صورت زیر تغییر داد:

رابطه $\frac{\sum P}{\sum N} = DC$ در این فرمول (۲) ضریب (ظرفیت) عمران‌پذیری P مجموع پدیده‌های طبیعی با انسانی مثبت؛ N مجموع پدیده‌های طبیعی یا انسانی منفی. همچنین، برای تعیین درصد عمران‌پذیری نواحی می‌توان از رابطه (۳) استفاده کرد. رابطه $DC\% = \frac{\sum P}{\sum N} \times 100$ برای استفاده از فرمول‌های فوق (۲ و ۳) باید به هر یک از پدیده‌ها و عوامل طبیعی و انسانی یک امتیاز داد و سپس مجموع امتیازات را در فرمول قرارداد، آنگاه اگر نتیجه و جواب حاصله (در فرمول ۲) کمتر از عدد ۱ درآمد، عمران‌پذیری ناچیه یا منطقه مورد نظر منفی است و سرمایه‌گذاری در آن احتمالاً با شکست روبرو خواهد شد و اگر جواب بیش از عدد ۱ درآمد، عمران‌پذیری ناچیه مورد نظر مثبت بوده و هر چه مدد حاصله از ۱ بزرگتر باشد، عمران‌پذیری از مطلوبیت بیشتری برخوردار خواهد بود و هرچه به عدد ۱ نزدیک شود و از عدد ۱ کمتر شود، ضعف پذیرش سرزمین ارایی بیشتر نمایان خواهد شد. باید توجه نمود که در محاسبات ظرفیت عمران‌پذیری، تمامی پدیده‌ها و عوامل طبیعی، انسانی و محاسبه شده و در هر یک از عوامل فوق به غیر از گروههای اصلی، رده‌های فرعی و اجزای آن‌ها نیز بررسی شده و در نظر گرفته

شوند؛ زیرا هر چه دقت بیشتری شود، موفقیت بیشتری به دست خواهد آمد؛ چراکه هرقدر ناحیه مورد مطالعه محدودتر و مشخص‌تر باشد، یکنواخت‌تر و هماهنگ بوده و بالطبع نتایج تحقیقات و مطالعات به حقیقت و واقعیت نزدیک‌تر خواهد شد (نظمفر و منتظر، ۱۳۹۷: ۹-۱۰).



تصویر ۲ - نقشه توزیع کاربری‌ها بر اساس نقشه طرح تفصیلی شیراز

تحلیل عاملی نامی عمومی است برای برخی روش‌های آماری چند متغیره که هدف اصلی آن خلاصه کردن داده‌ها می‌باشد. این روش به بررسی همبستگی درونی تعداد زیادی از متغیرها می‌پردازد و در نهایت آن‌ها را در قالب عامل‌های کلی محدودی دسته‌بندی و تبیین می‌کند.

تحلیل عاملی روشی هم وابسته بوده که در آن کلیه متغیرها به طور همزمان مدنظر قرار می‌گیرند، به عبارت دیگر در این تکنیک که به دو نوع Q و R قابل تقسیم است، هریک از متغیرها به عنوان یک متغیر وابسته لحاظ می‌شوند.

یافته‌های تحقیق

ضریب عمران پذیری نواحی: برای سنجش عمران پذیری تمامی مناطق شهرداری کلانشهر شیراز و تعیین میزان قابلیت پذیرش عدالت فضایی (توزیع کاربری‌های ورزشی، درمانی، فرهنگی، فضای سبز، آموزشی و تجهیزات شهری) و حکمرانی خوب شهری (مشارکت، اثربخشی و کارآبی، پاسخگویی و پاسخدهی، جهت‌گیری توافقی، شفافیت (دسترسی به اطلاعات)، قانونمندی (حاکمیت قانون)، بینش راهبردی) ابتدا ماتریس داده‌ها را تشکیل می‌دهیم (جدول‌های ۳ تا ۶).

جدول ۳- ضریب عمران‌پذیری مناطق شهرداری کلانشهر شیراز

		معیارهای حکمرانی خوب شهری															
		$\sum P$		بینش راهبردی		قانونمندی (حاکمیت (قانون))		شفافیت (دسترسی به اطلاعات)		جهت‌گیری توافقی		پاسخگویی و پاسخدهی		اثربخشی و کارآبی		مشارکت	
		$\sum N$		$\sum P$		N	P	N	P	N	P	N	P	N	P	N	P
منطقه ۱	۱۳	۵	-	۲	۲	-	۵	-	۴	-	-	۱	۲	-	-	۲	۱
منطقه ۲	۹	۳	-	۱	۱	-	۵	-	۳	-	۲	-	-	۲	۳	-	۲
منطقه ۳	۲۵	-	۲	-	۳	-	۵	-	۴	-	۴	-	۳	-	۴	-	۳
منطقه ۴	۲۷	-	۳	-	۲	-	۵	-	۵	-	۳	-	۵	-	۴	-	۴
منطقه ۵	۳۱	-	۴	-	۳	-	۵	-	۵	-	۵	-	۴	-	۵	-	۵
منطقه ۶	۱۳	۵	-	۱	۲	-	۵	-	۳	-	۳	-	-	۳	-	۱	۶
منطقه ۷	۲۸	-	۳	-	۲	-	۵	-	۵	-	۳	-	۵	-	۵	-	۷
منطقه ۸	۲۷	۳	۳	-	۴	-	۵	-	۵	-	-	۳	۵	-	۵	-	۸
منطقه ۹	۳۰	-	۳	-	۳	-	۵	-	۵	-	۴	-	۵	-	۵	-	۹
منطقه ۱۰	۱۲	۵	-	۲	۱	-	۵	-	۳	-	-	۱	۳	-	-	۲	۱۰

جدول ۴- ضریب عمران‌پذیری مناطق شهرداری کلانشهر شیراز

		شاخص‌های عدالت فضایی- اجتماعی																
		$\sum P$		توزيع کاربری‌های تجهیزات شهری		توزيع کاربری‌های آموزشی ()		توزيع کاربری‌های فضای سبز		توزيع کاربری‌های فرهنگی		توزيع کاربری‌های درمانی		توزيع کاربری‌های ورزشی		مناطق		
		$\sum N$		$\sum P$		N	P	N	P	N	P	N	P	N	P	$\sum P$	$\sum P$	P
منطقه ۱	۱۱	۷	۴	-	۱	-	-	۲	۲	-	-	۵	۴	-	۱	۱	۱	
منطقه ۲	۲۵	-	۵	-	۳	-	۴	-	۳	-	۵	-	۵	-	۲	۲	۲	
منطقه ۳	۱۲	۴	۳	-	-	۲	۵	-	۱	-	-	۲	۳	-	۳	۳	۳	
منطقه ۴	۱۷	۳	۴	-	-	۳	۳	-	۴	-	۳	-	۳	-	۳	۴	۴	
منطقه ۵	۲۶	-	۵	-	۴	-	۵	-	۳	-	۴	-	۵	-	۵	۵	۵	
منطقه ۶	۱۲	۷	۳	-	۳	-	-	۵	-	۲	۲	-	۴	-	۴	۶	۶	
منطقه ۷	۲۴	۳	۵	-	۵	-	۴	-	-	۳	۵	-	۵	-	۷	۷	۷	
منطقه ۸	۲۵	۵	۵	-	۵	-	۵	-	-	۵	۵	-	۵	-	۸	۸	۸	
منطقه ۹	۲۰	۵	۵	-	۴	-	-	۵	۳	-	۳	-	۵	-	۹	۹	۹	
منطقه ۱۰	۱۰	۱۵	-	۵	۳	-	-	۵	۴	-	-	۵	۳	-	۱۰	۱۰	۱۰	

جدول ۵- ضریب عمران پذیری مناطق شهرداری کلانشهر شیراز

$DC\% = \frac{\sum P}{\sum N} \times 100$	$DC = \frac{\sum P}{\sum N}$	$\sum N$	$\sum P$	مناطق
۵۰	۰.۵	۲۴	۱۲	منطقه ۱
۸/۸	۰/۰۸۸	۳۴	۳	منطقه ۲
۱۰	۰/۱۰	۳۷	۴	منطقه ۳
۶۸	۰/۰۶۸	۴۴	۳	منطقه ۴
۱	۰/۰۱	۵۷	۱	منطقه ۵
۴۸	۰/۰۴۸	۲۵	۱۲	منطقه ۶
۵/۷	۰/۰۵۷	۵۲	۳	منطقه ۷
۱۵	۰/۱۵	۵۲	۸	منطقه ۸
۱۰	۰/۱۰	۵۰	۵	منطقه ۹
۹۰	۰/۹۰	۲۲	۲۰	منطقه ۱۰

جدول ۶- ضریب عمران پذیری مناطق شهرداری کلانشهر شیراز

نتایج حاصله	رتبه	درصد	$DC = \frac{\sum P}{\sum N}$	مناطق
با توجه به نتایج حاصل از داده‌های بدست آمده درمی‌باییم درصد عمران‌پذیری مناطق شهرداری کلانشهر شیراز پایین است به عبارتی معیارهای حکمرانی خوب شهری و ساختارهای عدالت فضایی-اجتماعی در کلانشهر شیراز صورت مطلوبی ندارد و به ترتیب اولویت مناطق ۱، ۱۰، ۶ از وضعیت بهتری نسبت به سایر مناطق برخوردار است.	۱	۹	۰/۹۰	منطقه ۱۰
	۲	۵	۰/۵	منطقه ۱
	۳	۱/۵	۰/۱۵	منطقه ۸
	۴	۱	۰/۱۰	منطقه ۹
	۵	۱	۰/۱۰	منطقه ۳
	۶	۰/۸۸	۰/۰۸۸	منطقه ۲
	۷	۰/۶۸	۰/۰۶۸	منطقه ۴
	۸	۰/۵۷	۰/۰۵۷	منطقه ۷
	۹	۴/۸	۰/۰۴۸	منطقه ۶
	۱۰	۰/۱	۰/۰۱	منطقه ۵

با توجه به نتایج حاصله می‌توان گفت که منطقه ۱۰ با ضریب ۰/۹ از بیشترین عمران‌پذیری برخوردار است که بیانگر مطلوبیت بیشتر این منطقه برای عمران‌پذیری می‌باشد. مناطق ۱ و ۶ که با ضریب ۰/۵ و ۰/۱۵ در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند نیز از عمران‌پذیری مطلوب‌تری برخوردارند. سایر مناطق مورد پژوهش (۷ منطقه دیگر) از ضریب عمران‌پذیری پایینی برخوردارند و حکمرانی خوب شهری و عدالت فضایی-اجتماعی در این مناطق با شکست روبرو شده است.

تحلیل عاملی: در نهایت برای بررسی این مهم که بین شاخص‌های سیستم قوانین و مقررات حاکم بر مدیریت شهری و شهرداری شاخص‌هایی چون قانون مندی، پاسخگویی و پاسخدهی و اثر بخشی و کارایی سهم بیشتری در شکل‌گیری الگوی حکمرانی خوب شهری در کلانشهر شیراز تأثیرگذار می‌باشد، از آرمون تحلیل عاملی استفاده شده است. به منظور استخراج ضریب اهمیت مؤلفه‌های حکمرانی خوب شهری تأثیرگذار بر عدالت فضایی از روشن تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. با توجه به آنکه تحلیل عاملی روی ۶ معیار حکمرانی خوب بر عدالت فضایی مناطق کلانشهر شیراز انجام شد، ۴ عامل به عنوان عوامل اصلی شناخته شدند. متغیرهای مشارکت، قانونمندی بر روی عامل اول دارای بار عملی بیشتری هستند. متغیرهای پاسخگویی و پاسخدهی و بینش راهبردی بر روی عامل دوم بار عملی بیشتری داشته‌اند. همچنین متغیر اثر بخشی و کارایی بر روی عامل سوم و متغیرهای شفاقت بر روی عامل چهارم دارای بیشترین بار عاملی بوده‌اند. در جدول شماره ۷ بار عاملی و امتیاز عاملی متغیرها نشان داده شده است. با توجه به مقایسه نمره عامل‌ها، عامل اول که شامل معیارهای مشارکت، قانونمندی است به عنوان مهمترین عامل از عوامل حکمرانی خوب شهری مؤثر بر عدالت فضایی مناطق کلانشهر شیراز تعیین گردید.

جدول ۷- بار و امتیاز عاملی متغیرهای حکمرانی خوب شهری مؤثر بر عدالت فضایی مناطق کلانشهر شیراز

عامل	معیار	بار عاملی	امتیاز عامل
۱	مشارکت قانونمندی جهت‌گیری توافقی	۰/۶۸۳ ۰/۷۲۵ ۰/۷۸۰	۰/۷۶۲
۲	پاسخگویی و پاسخدهی بینش راهبردی	۰/۷۸۶ ۰/۶۳۹	۰/۸۹۶
۳	اثربخشی و کارآبی	۰/۷۴۶	۰/۳۰۹
۴	شفافیت	۰/۶۲۱	۰/۲۷۸

بحث و نتیجه‌گیری

توزیع خدمات شهری یکی از عوامل کلیدی در ایجاد و حفظ عدالت فضایی در کلان‌شهرها به شمار می‌رود. در این راستا، حکمرانی خوب و مؤثر نقش بسزایی در بهبود کیفیت خدمات و تأمین نیازهای شهروندان دارد. در کلان‌شهر شیراز، با توجه به رشد سریع جمعیت و افزایش نیاز به خدمات عمومی، ارزیابی وضعیت توزیع خدمات و شناسایی نقاط ضعف در نظام حکمرانی امری ضروری است. این مقاله به تحلیل شاخص‌های توزیع خدمات شهری با رویکرد عدالت فضایی در کلان‌شهر شیراز می‌پردازد و تلاش می‌کند تا به چالش‌ها و پیامدهای موجود در این حوزه پردازد. نتیجه نهایی حاصل از تحلیل یافته‌ها در این پژوهش حاکی از آن است که ضعف موجود در شاخص‌های حکمرانی در شهر شیراز، پیامدهای منفی به دنبال خواهد داشت. این پیامدها در جنبه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و زیستمحیطی به‌وضوح قابل مشاهده است و در عدم توزیع مناسب خدمات شهری در تمامی مناطق نقش بسزایی داشته است. بر اساس تحلیل‌های صورت‌گرفته، مناطق ۱، ۶ و ۱۰ در وضعیت مطلوب قرار دارند؛ به عبارت دیگر، توزیع عادلانه‌ای در این مناطق صورت گرفته است. در مقابل، هفت منطقه دیگر در وضعیت نامطلوب قرار دارند و نیازمند راهکارهای اجرایی در جهت بهبود حکمرانی خوب شهری و توزیع عادلانه خدمات هستند. این مناطق با مشکلاتی چون کمبود خدمات بهداشتی و آموزشی، دسترسی محدود به فضاهای سبز، و نابرابری در خدمات حمل و نقل روبرو هستند. این نابرابری‌ها نه تنها بر کیفیت زندگی ساکنان تأثیر منفی می‌گذارند، بلکه باعث تشدید نارضایتی اجتماعی و کاهش اعتماد به نظام حکومتی نیز می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که در حالی که مناطق ۱، ۶ و ۱۰ در وضعیت مطلوبی از نظر توزیع خدمات قرار دارند، هفت منطقه دیگر با کمبود جدی خدمات و نابرابری‌های فضایی مواجه‌اند. این وضعیت مشابه با نتایج پژوهش احمدی و شمسی‌پور (۱۳۹۹) در شهر بجنورد است که از وجود توزیع ناعادلانه خدمات عمومی در محله‌ها خبر می‌دهد. علاوه بر این، ضعف در شاخص‌های حکمرانی در شیراز به نارضایتی اجتماعی و کاهش اعتماد به نظام حکومتی منجر شده است، امری که در پژوهش جعفری فرد و همکاران (۱۳۹۹) در شهر کهنه‌وج نیز تأیید شده است. نابرابری‌های موجود تأثیرات منفی بر کیفیت زندگی ساکنان دارد و ضرورت بهبود مدیریت شهری و افزایش مشارکت شهروندان را برای ارتقاء رضایت و تحقق عدالت فضایی موردن تأکید قرار می‌دهد.

بنابراین، ضروری است که مسئولین شهری با اتخاذ تدبیر مناسب، از جمله افزایش شفافیت در مدیریت شهری، توسعه زیرساخت‌های خدماتی و تقویت مشارکت‌های مردمی، به دنبال بهبود وضعیت توزیع خدمات و ارتقای عدالت فضایی در کلان‌شهر شیراز باشند. این اقدامات می‌توانند زمینه‌ساز بهبود کیفیت زندگی شهروندان و ایجاد توازن در دسترسی به خدمات شهری باشند.

پی‌نوشت‌ها

- ۱. Pierre.J
- ۲. Citizen Participation
- ۳. Effectiveness and efficiency
- ۴. Accountability
- ۵. Responsibility
- ۶. Transparency

- | |
|-----------------------------|
| Rule of Law .۷ |
| Consensus oriented .۸ |
| Equity and inclusiveness .۹ |
| Visioning .۱۰ |

منابع

- احمدی، محمد و شمسی‌پور، علی اکبر، ۱۳۹۹، تحلیل توزیع خدمات عمومی با رویکرد عدالت فضایی مطالعه موردی: شهر بجنورد. پژوهش‌های جغرافیای برنامه ریزی شهری، ۸(۱)، ۷۳-۹۸.
- احمدی، م. و شمسی‌پور، ع. ا. (۱۳۹۹). تحلیل توزیع خدمات عمومی با رویکرد عدالت فضایی: مطالعه موردی شهر بجنورد. پژوهش‌های جغرافیای برنامه ریزی شهری، ۸(۱)، ۹۸-۷۳.
- بابائی اقدم، ف. و نعیمی، ک. (۱۳۹۶). شهر و عدالت فضایی؛ تحلیلی بر پراکنش خدمات عمومی شهری در نواحی بیست و دوگانه شهر ستنده. مجله آمایش جغرافیایی فضا، ۷(۲۲)، ۱۷۳-۱۸۶.
- بیگلو، ح. ۵. سرور، ر. و نوری، ع. (۱۳۹۷). تبیین تحقق‌پذیری حکمرانی خوب شهری با تأکید بر هوشمندسازی مکان: مورد کاوی شهر تهران. مدیریت شهری، شماره ۵۲، ۱۸۹-۲۰۴.
- تابعی، ن.، موحد، ع.، تولایی، س. و کمانروندی، م. (۱۳۹۵). بررسی نقش عدالت فضایی در مدیریت شهری: محدوده مطالعه محلات منطقه ۶ تهران. برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، ۶(۲)، ۲۳-۳۶.
- توکلی‌نیا، ج.، اسکندرپور، م. و برغمدی، م. (۱۳۹۱). درآمدی بر حکمرانی خوب شهری: ضرورت‌ها، الزامات و چالش‌های تحقق آن در ایران. نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۵(۱)، ۱۳۵-۱۵۲.
- جعفری فرد، ج.، صابری، ح.، اذانی، م. و خادم‌الحسینی، ا. (۱۳۹۹). واکاوی شاخص‌های حکمرانی خوب شهری: مطالعه موردی شهر کهنه‌ج. دوفصلنامه علمی جغرافیای اجتماعی شهری، ۷(۱)، ۲۷۴-۲۹۱.
- حاجی‌نژاد، ع.، پایدار، ا. و ارشد، ح. (۱۳۹۵). تحلیل جایگاه و تدوین برنامه‌ی استراتژیک حکمرانی خوب: مطالعه موردی شهر زاهدان. جغرافیا و توسعه، ۱۴(۴۲)، ۶۳-۸۲.
- حافظنیا، م. ر.، قادری حاجت، م.، احمدی‌پور، ز.، رکن‌الدین، ع. و گوهربی، م. (۱۳۹۳). طراحی الگوی سنجش عدالت فضایی: مطالعه موردی ایران، ۱۹(۱)، ۳۳-۵۲.
- حسنی هنزاگی، و. و الهیاری، ر. (۱۳۹۷). مطالعه‌ی تطبیقی برنامه‌ریزی راهبردی بر اساس حکمرانی خوب شهری: مورد مطالعه شهرهای تهران و مشهد. دوامانه‌ی علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم انسانی، ۳(پیاپی ۱۱)، ۱-۱۴.
- حکمت‌نیا، ح.، موسوی، م. ن.، افشاری، ع. و ملکی، م. (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل حکمرانی خوب شهری در ایران: مورد مطالعه شهر ایلام. مجله آمایش جغرافیایی فضا، ۷(۲۴)، ۱۴۳-۱۵۲.
- داداش‌پور، ه.، علیزاده، ب. و رستمی، ف. (۱۳۹۴). تبیین چارچوب مفهومی عدالت فضایی در برنامه‌ریزی شهری با محوریت مفهوم عدالت در مکتب اسلام. فصلنامه علمی-پژوهشی نقش جهان، شماره ۱-۵، ۷۵-۸۵.
- رحمانی، ب.، تاج، ش. و عبدی، ع. (۱۳۹۹). تحلیل نابرابری‌های فضایی توزیع خدمات شهری از منظر عدالت فضایی: مطالعه موردی شهرستان قرچک. جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، ۱۲(۴۳)، ۲۷-۵۱.
- زیاری، ک. الله، یدالله‌نیا، ه. و یدالله‌نیا، ح. (۱۳۹۹). تحلیل عملکرد مدیریت شهری با تأکید بر شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر شهروندان: مورد مطالعه شهر ساری. فصلنامه علمی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۱(۴۰)، ۱-۱۵.
- شاهینی‌فر، م. و محمدزاده، ر. (۱۳۹۶). تحلیل و ارزیابی میزان تحقق‌پذیری حکمرانی خوب شهری در شهر جوانرود. اولین همایش اندیشه‌ها و فناوری‌های نوین در علوم جغرافیایی.
- شریف‌زاده‌اقدم، ا.، شیخی، ع. و حیدری‌تاشه‌کبود، ا. (۱۳۹۸). ارزیابی مشارکت شهروندان در حکمرانی خوب شهری: مطالعه موردی شهر پیرانشهر. مطالعات محیطی هفت حصار، ۷(۲۸)، ۴۵-۴۰.

- عبدی، ک.، جعفری مهرآبادی، م.، صفائی رینه، م. و یاری، ش. ا. (۱۳۹۸). سنجش رضایتمندی شهروندان از عملکرد شهرداری با رویکرد حکمرانی خوب شهری: مطالعه موردی شهر کیاسر. *فصلنامه آمایش محیط*, شماره ۴۵، ۱۳۹، ۱۶۶-۱۳۹.
- عیوضلو، د. و رضویان، م. ت. (۱۳۹۷). ارزیابی وضعیت مدیریت شهری کلانشهرها مبتنی بر شاخص‌های حکمرانی مطلوب شهری: مورد مطالعه کلانشهر تهران. *جغرافیا و توسعه*, ۱۶(۵۲)، ۱۷۵-۱۹۲.
- مهارتی، ی.، حسنی هنزاگی، و. و حمیدی، م. (۱۳۹۱). ارزیابی برنامه‌ریزی راهبردی بر اساس حکمرانی خوب شهری: مطالعه‌ی تطبیقی برنامه‌ریزی‌های تهران و مشهد. *چهارمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری*, مشهد.
- نظمفر، ح.، سعدلولی، ح. و طهماسبی، ف. (۱۳۹۷). جایگاه حکمرانی مطلوب شهری در اسناد قانونی فرادست و پایین‌دست توسعه ایران. *فصلنامه مجلس و راهبرد*, ۲۷(۱۰۴)، ۲۶۵-۲۸۹.
- هال، پ. و فایفر، ا. (۱۳۹۴). آینده شهری قرن بیست و یکم: دستور کار جهانی برای شهرهای قرن بیست و یکم. *ترجمه: اسماعیل صادقی و ناهید صفائی*. چاپ دوم. انتشارات آذرخش.

- Bassett, S. M. (2013). The role of spatial justice in the regeneration of urban spaces. *NEURUS Research, Sarah Bassett Spring*, 1-25.
- Biswas, R., Jana, A., Arya, K., & Ramamritham, K. (2019). A good-governance framework for urban management. *Journal of Urban Management*, 8(2), 225-236.
- Edelenbos, J., & Meerkerk, I. V. (2017). Finding common ground in urban governance networks: What are its facilitating factors? *Journal of Environmental Planning and Management*, 1-17.
- Esmailpour, N., Goodarzi, G., & Esmailpour Zanjani, S. (2021). The model of good sustainable urban governance based on ESG concepts. *International Journal of Urban Management and Energy Sustainability*, 2(4), 11-22.
- Fujita, K. (2009). Urban justice and sustainability. *Local Environment*, 14(5).
- Goss, S. (2001). *Making local governance work*. Palgrave.
- Hewko, G. (2003). Spatial equity in the urban environment: Assessing neighborhoods' accessibility to public amenities. University of Alberta.
- Kadago, J., Sandholz, S., & Hamhaber, J. (2010). Good urban governance, actors' relations and paradigms: Lessons from Nairobi, Kenya, and Recife, Brazil. 46th ISOCARP Congress.
- Lemanski, C. (2017). Unequal citizenship in unequal cities: Participatory urban governance in contemporary South Africa. *IDPR*, 39(1).
- Lockwood, M. (2009). Good governance for terrestrial protected areas. *Journal of Environmental Management*.
- Morita, S., & Zaelke, D. (2007). *Rule of law, good governance and sustainable development*. Routledge.
- Omar, I. (2005). Evaluating accessibility using house-level data: A spatial equity perspective. *Computer, Environment and Urban Systems*.
- Peris, J., Cebillo-Baque, M. A., & Calabuig, C. (2011). Scrutinizing the link between participatory governance and urban environmental management: The experience in Arequipa during 2003-2006. *Habitat International*, 35, 84-92.
- Pierre, J. (2014). Can urban regimes travel in time and space? Urban regime theory, urban governance theory, and comparative urban politics. *Urban Affairs Review*, 50(6), 864-889.
- Rakodi, C. (2001). Forget planning, put politics first? Priorities for urban management in developing countries. *Journal of JAGL*, 3(3).
- Shahidul, M., & Swapan, H. (2016). Participatory urban governance in Bangladesh: A study of the gap between promise and realities. *Environment and Urbanization ASIA*, 7(2), 196-213.
- Sheng, Y. K. (2010). Good governance in Southeast Asia. *Environment and Urbanization ASIA*, 1(2), 131-147.

- Shipra, N. (2006). The urban governance index: A tool to measure the quality of urban governance. *MENA Development Forum MDF5*. Beirut.
- Wolfram, M. (2017). Sustainability: The issue of our age, and a concern for local government. *Public Management*, 88, 8-12.
- World Bank. (2012). Methodology of World Governance Indicators. Available at URL: <http://info.worldbank.org/governance/wgi/#doc>
- Yousaf, M., Ihsan, F., & Ellahi, A. (2016). Exploring the impact of good governance on citizens' trust in Pakistan. *Government Information Quarterly*, 33(1), 209-200.

Analysis of urban service distribution indicators with the spatial justice approach of Shiraz Metropolis

Behnosh Nosrati, Department of Humanities, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

Ali Shakoor*, Professor of Human Geography, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran.

Received: 2022/6/2 Accepted: 2022/8/25

Extended abstract

Introduction: According to the report by the United Nations Population Fund, more than half of the world's population lives in urban areas, and this figure is expected to rise to five billion by 2030. Social inequalities and the lack of justice are primary factors contributing to population crises. Spatial justice, which is a component of social justice, relates to the unequal distribution of income, housing segregation, and the unequal allocation of public services. Resource allocation policies in cities are implemented through good urban governance, which aims to improve administrative skills, enhance transparency, and increase the accountability of officials. This research focuses on analyzing the indicators of good urban governance and spatial justice in the city of Shiraz. Given the growing population of this metropolis, it is essential to examine urban services and their proper distribution to prevent citizen dissatisfaction and the failure to achieve spatial justice. Additionally, the role of indicators such as legality and equal opportunity in shaping this justice will be explored.

Methodology: The research method used in this study is descriptive-analytical, and in terms of strategic targeting, it is applied. Data collection was conducted using two methods: library research and documentary analysis (detailed plan). The geographical scope of the study encompasses the metropolis of Shiraz and its 10 municipal regions. To evaluate the urban areas of Shiraz in terms of good urban governance with an emphasis on spatial and social justice, all land uses except residential use were considered. For data analysis, SPSS software and tests for determining the viability coefficient of the regions and factor analysis were employed. The statistical population of this research is based on the Delphi method, comprising 30 specialists in urban planning and architecture.

Results: To assess the viability of all municipal regions in the metropolis of Shiraz and determine the level of acceptance of spatial justice (distribution of sports, healthcare, cultural, green space, educational, and urban equipment uses) and good urban governance (participation, effectiveness and efficiency, accountability and responsiveness, consensus orientation, transparency, rule of law, and strategic vision), we first establish a data matrix. Based on the obtained results, it can be stated that Region 10, with a coefficient of 0.9, has the highest viability, indicating a greater suitability for development in this area. Regions 1 and 6, with coefficients of 0.5 and 0.15, rank second and third respectively, also demonstrating a preferable level of viability. The remaining seven regions under study exhibit low viability, and both good urban governance and spatial-social justice have faced challenges in these areas.

Conclusion: The final results from the analysis of findings in this research indicate that the existing weaknesses in governance indicators in the city of Shiraz will have negative consequences. These repercussions are clearly observable in various economic, social, and environmental aspects, significantly impacting the inadequate distribution of urban services across all regions. Based on the analyses, Regions 1, 6, and 10 are in a favorable condition; in other words, a fair distribution has been achieved in these areas. In contrast, the other seven regions are in an unfavorable situation.

* Corresponding Author's E-mail: alishakoor52@yahoo.com